

گزارش

۴ روایت از یک نشست راهبردی: فعالان سیاسی و پزشکیان درباره تفاهم‌نامه اسلام‌آباد چه گفتند؟

«یک گام به پس، دو گام به پیش» برای نجات تفاهم‌نامه

شرق: نشست شامگاهی مسعود پزشکیان با جمعی از فعالان و کنشگران سیاسی-اجتماعی احزاب اصلاح‌طلب را نمی‌توان صرفاً یک دیدار تشریفاتی یا حتی یک جلسه مشورتی معمول دانست. این نشست، در شرایطی برگزار شد که کشور در یکی از حساس‌ترین مقاطع دیپلماتیک و امنیتی پس از انقلاب قرار دارد و «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد دیپلماسی منطقه، در معرض فشارهای چندجانبه‌ای است که احیای آن را از دسترس دور می‌کند. آنچه این نشست را متمایز می‌کند، نه‌تنها ترکیب حاضران و سطح مباحث، بلکه چارچوب روایی واحدی است که در روایت‌های منتشرشده از آن بازتاب یافته است که نشان می‌دهد دولت پزشکیان درصدد است صدای «اکثریت خاموش» حامی تفاهم‌نامه را در برابر «اقلیت پرصدای» مخالف آن سازماندهی کند. روایت‌های ارائه‌شده از این نشست، از یادداشت تفصیلی سیدمحمدعلی ابیطی و تحلیل احمد زیدآبادی گرفته تا هشدارهای راهبردی فیاض زاهد و توضیحات غلامرضا طریفیان، همگی بر یک محور مشترک استوار هستند؛ اینکه احیای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، نه یک انتخاب تاکتیکی، بلکه ضرورتی راهبردی برای جلوگیری از بازگشت جنگ و پایان‌دادن به بحران‌های معیشتی است. در این میان، پزشکیان با تأکید بر اینکه «اساس و پایه اصلاح‌طلبی، انعطاف‌پذیری در خود است، نه طرف مقابل» و «فقط دولت نمی‌تواند این بار سنگین را به دوش بکشد، ماموریتی دوگانه برای فعالان سیاسی تعریف کرد که هم‌زمانی دفاع از دستاورد دیپلماتیک و پرهیز از قطبی‌سازی و شکاف اجتماعی است.

روایت زیدآبادی: از نگرانی ظرفیت تا هشدار درباره عمیق‌ترشدن بحران
احمد زیدآبادی، فعال سیاسی و روزنامه‌نگار، با اشاره به دیدار جمعی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب با رئیس‌جمهور، گفت: به نظر می‌رسد دولت یا شخص رئیس‌جمهور درصدد است صدای موافقان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نیز در جامعه بلند شود؛ چراکه به اعتقاد من، اکثریت ایرانی‌ها نگاه مثبتی به این تفاهم‌نامه دارند، اما صدای مخالفان که اقلیت هستند، بسیار بلندتر شنیده می‌شود.

روایت ابیطی از دیدار جمعی از کنشگران سیاسی با رئیس‌جمهور
حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی ابیطی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور در دولت هفتم، در یادداشتی جزئیاتی از نشست فعالان احزاب اصلاح‌طلب و جمعی از کنشگران سیاسی-اجتماعی با رئیس‌جمهور ارائه کرد. روایت این فعال سیاسی از نشست به این شرح است: «سه‌شنبه عصر فعالان احزاب اصلاح‌طلب با آقای پزشکیان دیدار کردند. محور اصلی بحث‌های جلسه، احیای تفاهم‌نامه بود. در جمع ما که به این بلوغ رسیده‌ایم که تفاهم‌نامه ایران و آمریکا را بهترین مسیر برای پایان عزت‌مندان‌ه وواقع‌بینانه جنگ می‌دانیم، همه باور داشتیم در برابر صدای بلند اقلیت، باید تلاش کرد تفاهم‌نامه با صدای اکثریت احیا شود. ۱۲ نفر صحبت کردند. خیلی‌ها استفاده از نفوذ و قدرت چین را برای زنده‌کردن تفاهم‌نامه، شاید با تغییرات اندک، پیشنهاد می‌دادند. من گفتم اگر بی‌تعارف‌تر فکر کنیم، باید برای گفت‌وگو، روابط و تفاهه با آمریکا، یک اجماع عالی مدیریتی ایجاد شود. اگر چنین اجماعی شکل بگیرد، شاید دیگر نیازی به میانجی نباشد. رهبر شهید بارها استدلال کرده بودند رابطه و گفت‌وگو با آمریکا برای ایران آسیب‌زاست. این مسئله باید حل شود تا تفاهم‌نامه بتواند عملی شود. آقای پزشکیان از سر صدق و صفا از مشکلات زندگی مردم گفت، از رنجی که مردم می‌برند نازحت بود و تأکید داشت برای حل مشکلات معیشتی مردم، هر کاری ازجمله امضای تفاهم‌نامه را دنبال می‌کند. این مرد آن قدر صادق است که به‌جای تریک تولدش، گفتم کمتر کسی می‌تواند مسعود پزشکیان را دوست نداشته باشد. گفت: «این قدر فحشم می‌دهند». گفتم: «آنها هم مسعود پزشکیان با این درجه از صداقت را دوست دار ند». خیلی‌ها از سخنرانی آقای رئیس‌جمهور در سازمان ملل تشکر کردند. آقای قائم‌مقام هم گزارش تحسین‌برانگیزی از کارهای دولت در ایام جنگ ارائه داد. این را هم گفتند که آقای رئیس‌جمهور قبل از جریان‌های سیاسی، کمی از اعضای دولتان بخواهید شما را بیشتر کمک کنند؛ خیلی خنثی عمل می‌کنند. البته به نظر من، بخشی از این رفتار به این دلیل است که می‌دانند پزشکیان کسی را تغییر نمی‌دهد».

روایت فیاض زاهد از دیدار فعالان اصلاح‌طلب با رئیس‌جمهور
فیاض زاهد، فعال سیاسی، در بیان روایتی از دیدار با فعالان و کنشگران سیاسی-اجتماعی احزاب اصلاح‌طلب با رئیس‌جمهور، در مطلبی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشت: «عصر سه‌شنبه با هماهنگی برادر خویم علی شکوروی‌راد در جلسه‌ای همراه با دوستان عزیز از سلاطین عمدۀ میانه‌رو و اصلاح‌طلب پیرامون پوشش حمایت از تفاهم اسلام‌آباد خدمت رئیس‌جمهور رسیدیم. ابتدا دکتر قائم‌مقام گزارشی از عملکرد دولت در دو جنگ قبلی داشت که انصافاً درخشان بود. ۱۲ نفر از دوستان از جمله خودم دعوت به ارائه نظر شدیم. من به چند نکته اشاره کردم:

- اگر دقت نکنیم و زیرکی نشان ندهیم، خطر جنگی ویرانگر در کمین ماست.
- گاهی خوب است به‌جای دادن امتیازات بیرونی، به مردم خودمان امتیازاتی بدهیم که همراهی آنها مهم‌ترین دلیل جلوگیری از آغاز جنگ خواهد بود.
- به رئیس‌جمهور توصیه کردم از همه توان و آسرویی خود برای توجیه و همکاری دیگر ارکان نظام با پرهیز از دوقطبی‌سازی برای پیشبرد گفت‌وگوها بهره برد و مبدا در دام متوهمان بیفتد. آغاز جنگی دیگر فقط به نفع اسرائیل است.
- یک گام به پس دو گام به پیش؛ با توصیف تجربه انقلاب روسیه عرض کردم که گاهی یک گام به عقب برداشتن، برای آنکه ثبات و موجودیت کشور حفظ شود تا پس از آن سپس دو گام به جلو برداشت، بهتر از قمار بر هستی و نیستی کشور است.
- هر کارت استراتژیک دوره و فرصت معینی دارد. عدم ارزیابی دقیق گاهی کارت‌های ما را به ضد خودمان بدل می‌کند....».

جزئیات دیدار فعالان سیاسی با رئیس‌جمهور از زبان طریفیان
غلامرضا طریفیان، فعال سیاسی، در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به دیدار فعالان احزاب اصلاح‌طلب و جمعی از کنشگران سیاسی-اجتماعی با رئیس‌جمهور گفت: مکرر اتفاق افتاده است که آقای پزشکیان در این ایامی که ریاست‌جمهوری را پذیرفته‌اند، از گروه‌ها و جریان‌های مختلف، استادان و صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف، اعم از سیاسی و اقتصادی و همچنین استادان دانشگاه دعوت کرده‌اند تا درباره مسائل خاص یا مسائل مختلف کشور اظهارنظر کنند. او در ادامه اظهار کرد: آقای پزشکیان خودشان دانشگاهی هستند و طبیعتاً تمایل دارند از نظرهای مختلف استفاده کنند؛ به‌ویژه در شرایط سختی که امروز کشور دارد.

این جلسه معطوف به استفاده از فرصت‌ها در عرصه دیپلماسی بود
این فعال سیاسی و استاد دانشگاه، با بیان اینکه جلسه اخیر بیشتر معطوف به مسائل دیپلماسی بود، تصریح کرد: این جلسه بیشتر معطوف به این بود که ما از فرصت‌هایی که برای کشور در ارتباط با عرصه دیپلماسی وجود دارد، چگونه باید استفاده کنیم.

گزارش

۴ روایت از یک نشست راهبردی: فعالان سیاسی و پزشکیان درباره تفاهم‌نامه اسلام‌آباد چه گفتند؟

«یک گام به پس، دو گام به پیش» برای نجات تفاهم‌نامه

مالک مصدق: در روزهایی که بخش چشمگیری از اخبار و گزارش‌ها بر آرایش نظامی آمریکا، اظهارات دونالد ترامپ و احتمال بازگشت رویارویی مستقیم با ایران متمرکز شده، شاید مهم‌ترین خطای تحلیلی آن باشد که زمان‌بندی احتمالی یک درگیری جدید را صرفاً بر اساس تقویم سیاسی واشینگتن تعریف کنیم. در این چارچوب، انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا به عنوان نقطه عطف تحولات معرفی می‌شود؛ حال آنکه بر مبنای این فرض تحلیلی، متغیر تعیین‌کننده ممکن است نه در واشینگتن، بلکه در تل‌آویو قرار داشته باشد. پیش از انتخابات کنگره آمریکا، انتخابات کنست اسرائیل قرار دارد که در منطق این تحلیل، برای بنیامین نتانیاهو صرفاً یک رقابت سیاسی معمول نیست، بلکه می‌تواند با سرنوشت سیاسی او گره بخورد. از همین منظر، هرچه احساس خطر شکست در اردوگاه نتانیاهو افزایش یابد، انگیزه برای تغییر ناگهانی معادلات امنیتی و سیاسی است ممکن نیز بیشتر شود. در چنین سناریویی، جنگ نه لزوماً به عنوان هدف نهایی، بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای تغییر دستور کار سیاسی، ایجاد فضای امنیتی و حتی به تعویق انداختن یک فرایند انتخاباتی مطرح شود.

این نگاه، یک پیام مهم نیز دارد؛ تمرکز افراطی بر «پس از انتخابات کنگره» ممکن است خود به یک خطای محاسباتی منجر شود. اگر زمان آغاز درگیری از پیش در ذهن افکار عمومی و حتی ساختارهای تصمیم‌گیری تثبیت شود، همین تصور می‌تواند ناخواسته به نقطه‌ضعف تبدیل شود؛ زیرا عنصر غافلگیری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هر عملیات نظامی است. بنابراین، حتی احتمال آنکه برجسته‌سازی یک بازه زمانی مشخص، بخشی از جنگ روانی یا تلاش برای شکل‌دهی به محاسبات طرف مقابل باشد، نمی‌توانست از منظر این تحلیل نادیده گرفته شود. با این حال، تبدیل این فرضیه به گزاره‌ای قطعی مبنی بر «اجتناب‌ناپذیربودن جنگ» نیز خود می‌تواند خطرناک باشد. آنچه اهمیت دارد، آمادگی تحلیلی برای سناریوی تشدید تنش بدون گرفتارشدن در دام قطعیت است. مسئله اصلی شاید این نباشد که جنگ دقیقاً چه روزی آغاز می‌شود، بلکه این است که آیا تهران برای سناریویی آماده است که زمان و محرک آن برخلاف برآوردهای رایج تعیین شود؟ از این منظر، بزرگ‌ترین آسیب محاسباتی می‌تواند اعتماد بیش از اندازه به یک تقویم از پیش تعیین‌شده باشد. در نهایت، شاید خطای اصلی در تحلیل احتمال جنگ، خیره‌شدن به تقویم واشینگتن باشد؛ چراکه جنگ، آن سوی تقویم واشینگتن نیز می‌تواند زمان‌بندی شود. در این میان، ساعت پنهان جنگ ممکن است در تل‌آویو و تحولات سیاسی آن به حرکت درآمده باشد؛ جایی که بازی جنگ با دو تقویم، یکی در واشینگتن و دیگری در اسرائیل پیش می‌رود. از این منظر، جنگ را باید نه صرفاً در فاصله میان دو انتخابات، بلکه به‌مثابه جنگ میان دو صندوق رای دید؛ یعنی معادله‌ای که زمان واقعی تصمیم را می‌تواند از چشم تحلیلگران پنهان کند.

آرایش جنگی آمریکا در سایه میانجیگری
در حالی که تلاش‌های میانجیگرانه برای پیشبرد گفت‌وگو میان تهران و واشینگتن ادامه دارد، هم‌زمانی مواضع و ادبیات مقام‌های آمریکایی، اظهارات دونالد ترامپ و تحولات میدانی و آرایش نظامی، تصویری متفاوت و به‌مراتب پرتنش‌تر از روند نشان‌دهنده ترسیم می‌شود. مهم‌ترین متغیرات در تحركات می‌تواند نشان‌دهنده آماده‌سازی واشینگتن برای گزینه‌های نظامی تازه در قبال ایران باشد. کماینکه وال‌استریت ژورنال گزارش داده است پنتاگون در حال اعزام سومین گروه رزمی ناو هواپیمابر و کشتی‌های بیشتری از تنگ‌نارکان دریای آمریکا به خاورمیانه است. البته به گفته مقام‌های آمریکایی، حدود ۹ تا ۱۰ هزار نیروی نظامی دیگر به منطقه اضافه خواهد شد. بر اساس این گزارش، کشتی‌ها، جنگنده‌ها، تنگنادران دریایی و ملوانان قرار است تا پایان ماه نوامبر وارد منطقه شوند. در همین چارچوب، یک مقام آمریکایی به الجزیره گفته است ناو هواپیمابر «تودور روزولت» پایگاه خود در سن‌دیگو را ترک کرده و به سوی خاورمیانه در حرکت است. بر اساس این روایت، تا پایان نوامبر سه ناو هواپیمابر و دو گروه رزمی آبی-خاکی آمریکا در اطراف ایران مستقر خواهند شد و این آرایش معنادر نظامی، هم‌زمان با ادامه تلاش‌های دیپلماتیک، توجه‌ها را به سناریوهای احتمالی پیش‌رو معطوف کرده است. از سوی دیگر، تمرکز بر ماه نوامبر، یعنی مقطع پس از انتخابات میان‌دوره‌ای، در گزارش‌های خبری این روزها اهمیت زمانی به این تحولات داده است. طبق این گزارش‌ها، واشینگتن در حال ایجاد ظرفیت برای گزینه‌های مختلف است که می‌تواند برای فشار در مذاکرات یا اجرای عملیات نظامی احتمالی مورد استفاده قرار گیرد، اما کاربرد آن روشن نیست.

اهمیت این تحركات زمانی بیشتر می‌شود که گزارش وال‌استریت ژورنال درباره ارزیابی‌های کاخ سفید درباره ادامه عملیات علیه ایران نیز مطرح شده است. این روزنامه مدعی شده ترامپ به دست‌آوردش گفته انتظار دارد بمباران ایران در ماه نوامبر، پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، از سر گرفته شود. با این حال، این گزارش درباره یک تصمیم قطعی نیست و از بررسی گزینه‌ای نظامی سخن می‌گوید. این ادعا با اظهارات اخیر ترامپ نیز در ارتباط قرار گرفته است. او پیش‌تر درباره احتمال تشدید حملات هوایی علیه ایران گفته بود «ممکن است» چنین اقدامی انجام شود و در همین حال تأکید کرده بود آمریکا در حال افزایش ذخایر و تولید مهمات است. چنین اظهاراتی، در کنار جابه‌جایی نیرو و تجهیزات، بخشی از تصویری است که اکنون درباره آینده بحران مطرح می‌شود. در سوی دیگر، تلاش‌های میانجیگرانه همچنان ادامه دارد و همین موضوع نشان می‌دهد مسیر دیپلماسی هنوز از معادلات کن‌گذاشته نشده است. اما هم‌زمانی مذاکرات با افزایش حضور نظامی آمریکا، پرسش‌هایی درباره هدف و دامنه این استقرار ایجاد کرده است؛ به‌ویژه اینکه مقام‌های آمریکایی هنوز نگفته‌اند

گزارش

۴ روایت از یک نشست راهبردی: فعالان سیاسی و پزشکیان درباره تفاهم‌نامه اسلام‌آباد چه گفتند؟

«یک گام به پس، دو گام به پیش» برای نجات تفاهم‌نامه

شرق: نشست شامگاهی مسعود پزشکیان با جمعی از فعالان و کنشگران سیاسی-اجتماعی احزاب اصلاح‌طلب را نمی‌توان صرفاً یک دیدار تشریفاتی یا حتی یک جلسه مشورتی معمول دانست. این نشست، در شرایطی برگزار شد که کشور در یکی از حساس‌ترین مقاطع دیپلماتیک و امنیتی پس از انقلاب قرار دارد و «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد دیپلماسی منطقه، در معرض فشارهای چندجانبه‌ای است که احیای آن را از دسترس دور می‌کند. آنچه این نشست را متمایز می‌کند، نه‌تنها ترکیب حاضران و سطح مباحث، بلکه چارچوب روایی واحدی است که در روایت‌های منتشرشده از آن بازتاب یافته است که نشان می‌دهد دولت پزشکیان درصدد است صدای «اکثریت خاموش» حامی تفاهم‌نامه را در برابر «اقلیت پرصدای» مخالف آن سازماندهی کند. روایت‌های ارائه‌شده از این نشست، از یادداشت تفصیلی سیدمحمدعلی ابیطی و تحلیل احمد زیدآبادی گرفته تا هشدارهای راهبردی فیاض زاهد و توضیحات غلامرضا طریفیان، همگی بر یک محور مشترک استوار هستند؛ اینکه احیای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، نه یک انتخاب تاکتیکی، بلکه ضرورتی راهبردی برای جلوگیری از بازگشت جنگ و پایان‌دادن به بحران‌های معیشتی است. در این میان، پزشکیان با تأکید بر اینکه «اساس و پایه اصلاح‌طلبی، انعطاف‌پذیری در خود است، نه طرف مقابل» و «فقط دولت نمی‌تواند این بار سنگین را به دوش بکشد، ماموریتی دوگانه برای فعالان سیاسی تعریف کرد که هم‌زمانی دفاع از دستاورد دیپلماتیک و پرهیز از قطبی‌سازی و شکاف اجتماعی است.

«یک گام به پس، دو گام به پیش» برای نجات تفاهم‌نامه

شرق: نشست شامگاهی مسعود پزشکیان با جمعی از فعالان و کنشگران سیاسی-اجتماعی احزاب اصلاح‌طلب را نمی‌توان صرفاً یک دیدار تشریفاتی یا حتی یک جلسه مشورتی معمول دانست. این نشست، در شرایطی برگزار شد که کشور در یکی از حساس‌ترین مقاطع دیپلماتیک و امنیتی پس از انقلاب قرار دارد و «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد دیپلماسی منطقه، در معرض فشارهای چندجانبه‌ای است که احیای آن را از دسترس دور می‌کند. آنچه این نشست را متمایز می‌کند، نه‌تنها ترکیب حاضران و سطح مباحث، بلکه چارچوب روایی واحدی است که در روایت‌های منتشرشده از آن بازتاب یافته است که نشان می‌دهد دولت پزشکیان درصدد است صدای «اکثریت خاموش» حامی تفاهم‌نامه را در برابر «اقلیت پرصدای» مخالف آن سازماندهی کند. روایت‌های ارائه‌شده از این نشست، از یادداشت تفصیلی سیدمحمدعلی ابیطی و تحلیل احمد زیدآبادی گرفته تا هشدارهای راهبردی فیاض زاهد و توضیحات غلامرضا طریفیان، همگی بر یک محور مشترک استوار هستند؛ اینکه احیای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، نه یک انتخاب تاکتیکی، بلکه ضرورتی راهبردی برای جلوگیری از بازگشت جنگ و پایان‌دادن به بحران‌های معیشتی است. در این میان، پزشکیان با تأکید بر اینکه «اساس و پایه اصلاح‌طلبی، انعطاف‌پذیری در خود است، نه طرف مقابل» و «فقط دولت نمی‌تواند این بار سنگین را به دوش بکشد، ماموریتی دوگانه برای فعالان سیاسی تعریف کرد که هم‌زمانی دفاع از دستاورد دیپلماتیک و پرهیز از قطبی‌سازی و شکاف اجتماعی است.

روایت زیدآبادی: از نگرانی ظرفیت تا هشدار درباره عمیق‌ترشدن بحران
احمد زیدآبادی، فعال سیاسی و روزنامه‌نگار، با اشاره به دیدار جمعی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب با رئیس‌جمهور، گفت: به نظر می‌رسد دولت یا شخص رئیس‌جمهور درصدد است صدای موافقان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نیز در جامعه بلند شود؛ چراکه به اعتقاد من، اکثریت ایرانی‌ها نگاه مثبتی به این تفاهم‌نامه دارند، اما صدای مخالفان که اقلیت هستند، بسیار بلندتر شنیده می‌شود.

روایت ابیطی از دیدار جمعی از کنشگران سیاسی با رئیس‌جمهور
حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی ابیطی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور در دولت هفتم، در یادداشتی جزئیاتی از نشست فعالان احزاب اصلاح‌طلب و جمعی از کنشگران سیاسی-اجتماعی با رئیس‌جمهور ارائه کرد. روایت این فعال سیاسی از نشست به این شرح است: «سه‌شنبه عصر فعالان احزاب اصلاح‌طلب با آقای پزشکیان دیدار کردند. محور اصلی بحث‌های جلسه، احیای تفاهم‌نامه بود. در جمع ما که به این بلوغ رسیده‌ایم که تفاهم‌نامه ایران و آمریکا را بهترین مسیر برای پایان عزت‌مندان‌ه وواقع‌بینانه جنگ می‌دانیم، همه باور داشتیم در برابر صدای بلند اقلیت، باید تلاش کرد تفاهم‌نامه با صدای اکثریت احیا شود. ۱۲ نفر صحبت کردند. خیلی‌ها استفاده از نفوذ و قدرت چین را برای زنده‌کردن تفاهم‌نامه، شاید با تغییرات اندک، پیشنهاد می‌دادند. من گفتم اگر بی‌تعارف‌تر فکر کنیم، باید برای گفت‌وگو، روابط و تفاهه با آمریکا، یک اجماع عالی مدیریتی ایجاد شود. اگر چنین اجماعی شکل بگیرد، شاید دیگر نیازی به میانجی نباشد. رهبر شهید بارها استدلال کرده بودند رابطه و گفت‌وگو با آمریکا برای ایران آسیب‌زاست. این مسئله باید حل شود تا تفاهم‌نامه بتواند عملی شود. آقای پزشکیان از سر صدق و صفا از مشکلات زندگی مردم گفت، از رنجی که مردم می‌برند نازحت بود و تأکید داشت برای حل مشکلات معیشتی مردم، هر کاری ازجمله امضای تفاهم‌نامه را دنبال می‌کند. این مرد آن قدر صادق است که به‌جای تریک تولدش، گفتم کمتر کسی می‌تواند مسعود پزشکیان را دوست نداشته باشد. گفت: «این قدر فحشم می‌دهند». گفتم: «آنها هم مسعود پزشکیان با این درجه از صداقت را دوست دار ند». خیلی‌ها از سخنرانی آقای رئیس‌جمهور در سازمان ملل تشکر کردند. آقای قائم‌مقام هم گزارش تحسین‌برانگیزی از کارهای دولت در ایام جنگ ارائه داد. این را هم گفتند که آقای رئیس‌جمهور قبل از جریان‌های سیاسی، کمی از اعضای دولتان بخواهید شما را بیشتر کمک کنند؛ خیلی خنثی عمل می‌کنند. البته به نظر من، بخشی از این رفتار به این دلیل است که می‌دانند پزشکیان کسی را تغییر نمی‌دهد».

آرایش جنگی آمریکا در سایه میانجیگری
در حالی که تلاش‌های میانجیگرانه برای پیشبرد گفت‌وگو میان تهران و واشینگتن ادامه دارد، هم‌زمانی مواضع و ادبیات مقام‌های آمریکایی، اظهارات دونالد ترامپ و تحولات میدانی و آرایش نظامی، تصویری متفاوت و به‌مراتب پرتنش‌تر از روند نشان‌دهنده ترسیم می‌شود. مهم‌ترین متغیرات در تحركات می‌تواند نشان‌دهنده آماده‌سازی واشینگتن برای گزینه‌های نظامی تازه در قبال ایران باشد. کماینکه وال‌الاستریت ژورنال گزارش داده است پنتاگون در حال اعزام سومین گروه رزمی ناو هواپیمابر و کشتی‌های بیشتری از تنگ‌نارکان دریای آمریکا به خاورمیانه است. البته به گفته مقام‌های آمریکایی، حدود ۹ تا ۱۰ هزار نیروی نظامی دیگر به منطقه اضافه خواهد شد. بر اساس این گزارش، کشتی‌ها، جنگنده‌ها، تنگنادران دریایی و ملوانان قرار است تا پایان ماه نوامبر وارد منطقه شوند. در همین چارچوب، یک مقام آمریکایی به الجزیره گفته است ناو هواپیمابر «تودور روزولت» پایگاه خود در سن‌دیگو را ترک کرده و به سوی خاورمیانه در حرکت است. بر اساس این روایت، تا پایان نوامبر سه ناو هواپیمابر و دو گروه رزمی آبی-خاکی آمریکا در اطراف ایران مستقر خواهند شد و این آرایش معنادر نظامی، هم‌زمان با ادامه تلاش‌های دیپلماتیک، توجه‌ها را به سناریوهای احتمالی پیش‌رو معطوف کرده است. از سوی دیگر، تمرکز بر ماه نوامبر، یعنی مقطع پس از انتخابات میان‌دوره‌ای، را د نکرد و در پاسخ به این پرسش که آیا چنین گزینه‌ای در دست بررسی است، گفت: «ممکن است». او درباره اهداف احتمالی حملات توضیحی نداد، اما مدعی بود آمریکا در شش ماه گذشته مشغول افزایش ذخایر تسلیحاتی و تولید مهمات بوده است. ترامپ تأکید کرد آمریکا در وضعیت بسیار خوبی قرار دارد و بخشی از این تسلیحات در آینده می‌تواند در اختیار متحدان واشینگتن قرار گیرد.

عملیات پرچم دروغین
در حالی که اظهارات اخیر و آرایش سیاسی-نظامی مقام‌های آمریکایی از ورود تنش‌ها به مرحله‌ای تازه حکایت دارد، در سوی دیگر این معادله، اسرائیل نیز همچون حلقه‌ای مکمل و عاملی تشدیدکننده، بار دیگر در متن تحولات قرار گرفته است؛ روندی که مجموعه‌ای از رخدادها و تحولات میدانی، زمینه را برای تقویت احتمال ازسگیری عملیات نظامی میان تهران و تل‌آویو فراهم کرده است. حادثه پرواز فلای‌دبی در مسیر دبی به تل‌آویو، پس از آنکه کمک‌خلبان عمانی هواپیما به خلبان حمله‌کرد و هواپیما ناچار به فرود اضطراری در عربستان سعودی شد، به موضوعی قرائن از یک حادثه هوایی تبدیل شده و اکنون در مرکز مکرر گمانه‌زنی‌های امنیتی و سیاسی درباره ایران، اسرائیل و آمریکا قرار گرفته است. مقام‌های امراتی تحقیقات رسمی درباره این حادثه را آغاز کرده‌اند و بررسی احتمال وجود انگیزه تروریستی یا برنامه‌ریزی قبلی نیز در دستور کار قرار گرفته است. در روایت رسمی اسرائیل، کمک‌خلبان عمانی متهم است در جریان پرواز به خلبان حمله و تلاش کرده هواپیما را سرنگون کند. هواپیما پس از یک کاهش شدید ارتفاع، با کمک خدمه و مسافران کنترل شد و در توبک عربستان به زمین نشست. رسانه‌های عبری نیز از انتقال کمک‌خلبان برای بازجویی و مشارکت نهادهای امنیتی اسرائیل در بررسی ابعاد حادثه خبر داده‌اند. با این حال، مقام‌های تحقیقاتی هنوز درباره انگیزه نهایی مهاجم و اینکه آیا او به‌تلهایی عمل کرده یا فرد یا شبکه دیگری در پشت این حادثه بوده است، به نتیجه قطعی نرسیده‌اند.

هم‌زمان، پرس‌نوی با طرح فرضیه «عملیات پرچم دروغین» مدعی شده است حادثه می‌تواند بخشی از سناریویی برای نسبت‌دادن یک اقدام خصمانه به ایران و فراهم‌کردن زمینه ورود



دوباره آمریکا به جنگ با تهران باشد. این رسانه به نقل از یک منبع منطقه‌ای مدعی شده بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، چند روز پیش از حادثه در سفری محرمانه به ابوظبی با شیخ محمد بن‌زاید، رئیس‌جمهوری امارات، دیدار کرده و در جریان این سفر درباره طرح‌های منطقه‌ای و سناریویی برای نسبت‌دادن یک عملیات به ایران گفت‌وگو شده است. اصل سفر نتانیاهو به ابوظبی در ۲۷ سپتامبر از سوی یک مقام اسرائیلی تأیید شده، هرچند جزئیات و ادعاهای مطرح‌شده درباره محتوای دیدار به‌طور مستقل تأیید نشده است. این هم‌زمانی، یعنی وقوع حادثه فلای‌دبی فقط چند روز پس از دیدار نتانیاهو و محمد بن‌زاید، از سوی برخی جریان‌های رسانه‌ای و سیاسی به عنوان موضوعی قابل توجه مطرح شده است؛ با این حال، تحقیقات رسمی امارات، عربستان و اسرائیل درباره حادثه ادامه دارد و تاکنون شواهد علنی معتبری که ایران را به آن مرتبط کند، منتشر نشده است. در همین حال، عبدالله ابوعبد، استاد عماتی روابط بین‌الملل، با لحنی کنایه‌آمیز درباره روایت‌های مطرح‌شده درمورد حادثه گفت ماجرای «فلای‌دبی» شبیه سریالی شده که بار بار با جزئیاتی عجیب‌تر ادامه پیدا می‌کند. او تأکید کرد افکار عمومی منتظر روشن‌شدن واقعیت‌هاست. در سوی دیگر، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز وارد ماجرا شد. ترامپ مدعی شد براساس اطلاعاتی که به او رسیده، احتمال ارتباط ایران با حادثه وجود دارد، هرچند هم‌زمان گفت این موضوع همچنان در دست بررسی است. او در پاسخ به این پرسش که اگر مشخص شود ایران پشت حادثه بوده، آیا آمریکا اقدام تلافی‌جویانه انجام خواهد داد، گفت ایران «به‌شدت هدف قرار خواهد گرفت». در همین فضای ملتهب، جکسون هینکل نیز مدعی شده است سفر مخفیانه نتانیاهو به امارات می‌تواند مقدمه‌ای برای جنگ دیگری علیه ایران باشد؛ اهمیت این ادعا برای ناظران از آن رو است که حادثه هواپیمای امراتی، سفر نتانیاهو به ابوظبی و موضع تهدید‌آمیز ترامپ درباره ایران در فاصله‌ای بسیار کوتاه از یکدیگر رخ داده‌اند. با این حال، در شرایط کنونی آنچه به‌طور رسمی روشن است، وقوع یک حمله در کابین، فرود اضطراری هواپیما در عربستان و آغاز تحقیقات چندجانبه است، اما اینکه این حادثه اقدامی سازمان‌یافته، عملیات پرچم دروغین یا اقدامی مرتبط با ایران بوده باشد، همچنان در حد ادعا و گمانه‌زنی است و تحقیقات رسمی باید درباره آن تعیین‌تکلیف کند.

عملیات‌های پرچم دروغین دوم با رمز فیرفورد
در ادامه مجموعه حوادثی که طی روزهای اخیر با ادعاهایی درباره نقش ایران همراه شده، این بار نام پایگاه هوایی «فیرفورد» در غرب انگلیس مطرح است؛ پایگاهی بریتانیایی که برای عملیات نیروی هوایی آمریکایی نیز استفاده می‌شود و در جریان جنگ با ایران، محل استقرار و فعالیت بمبافکن‌های آمریکایی بوده است. ماجرا با بمبارد گنبدخانه آغاز شد؛ زمانی که پلیس انگلیس در پی گزارش مشاهده خودروی مشکوک و افراد نقاب‌دار در نزدیکی پایگاه، پنج مرد را بازداشت کرد. بازرسی خودروها اما به کشف بمب یا وسیله انفجاری منجر نشد و فقط مقداری بنزین در آنها پیدا شد. پنج مظنون بعداً با قرار وثیقه آزاد شدند و تحقیقات همچنان ادامه دارد. با وجود نبود مواد منفجره، اندی برنهام، نخست‌وزیر انگلیس، اعلام کرد «نشانه‌های قوی» از نقش ایران در این حادثه وجود دارد. برنهام در عین حال تأکید کرد پرونده همچنان یک تحقیق «پیچیده و جدی» پلیسی است و نیروهای امنیتی انگلیس با همائیان آمریکایی خود همکاری می‌کنند. مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا نیز پیش‌تر گفته بود یک «عامل خارجی» در ماجرا دخیل بوده است. دونالد ترامپ هم در واکنش به احتمال نقش ایران گفت واشینگتن موضوع را «خیلی جدی» بررسی می‌کند و ایران در شرایط دشواری قرار دارد.

مواضع آمریکا در حالی مطرح شد که آزادی پنج مظنون با انتقاد ترامپ رویه‌رو شده بود. در تحول تازه، پلیس ضدتروریسم انگلیس یک تبعه دوتابعیتی ایرانی-بریتانیایی را نیز در ارتباط با تحقیقات بازداشت کرده است؛ با این حال، پرونده همچنان در مرحله تحقیقاتی قرار دارد. تهران اما این ادعاهای را قاطعانه رد کرده است. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در واکنش به اظهارات برنهام در شبکه ایکس با لحنی کنایه‌آمیز نوشت ایران نیز می‌تواند «ساور» خود را تأیید کند و آزادی افرادی که به گفته مقام‌های انگلیسی مظنون به اقدامات تروریستی بوده‌اند، خود گویای وضعیت پرونده است. عراقچی در پایان تأکید کرد: «شما دارید مقصر را در جای اشتباهی جست‌وجو می‌کنید». وزارت خارجه ایران نیز سفیر انگلیس در تهران را احضار کرد. در این دیدار، مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر خارجه، اتهامات لندن را بی‌اساس خواند و به رویکرد دولت انگلیس اعتراض کرد. تهران همچنین بریتانیا را به مشارکت در حمایت از عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران متهم کرد و خواستار توضیح رسمی لندن درباره اتهامات مطرح‌شده شد. در این میان، بنیامین نتانیاهو تلاش کرده است روایت خود را ماجرا را از نیز وارد معادله کند. نخست‌وزیر اسرائیل مدعی شده تل‌آویو پیش از حادثه فیرفورد، اطلاعاتی درباره یک طرح منتسب به ایران در اختیار دولت انگلیس گذاشته بود. نتانیاهو در گفت‌وگو با فاکس نیوز، این موضوع را در کنار انتقاد از تحریم‌های انگلیس علیه کالاهای شهرک‌های اسرائیلی در کرانه باختری مطرح کرد و گفت لندن تقریباً یک روز پس از دریافت اطلاعات، تحریم‌ها را علیه اسرائیل اعمال کرده است. این ادعا از سوی نتانیاهو مطرح شده و جزئیات اطلاعات ادعایی اسرائیل به‌طور عمومی منتشر نشده است. این اظهارات در بستر تنش سیاسی میان لندن و تل‌آویو

بیان می‌شود؛ تنشی که پس از تشدید سیاست انگلیس علیه شهرک‌سازی اسرائیل در کرانه باختری افزایش یافته است.

یادداشت

راهکارهای رفع خصومت‌های بین‌المللی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی از دیپلماسی تا رویه قانونی

علی جوانبخت‌لاله

وکیل دادگستری
در دنیای امروز که روابط بین‌الملل میان پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک و تنش‌های حقوقی در نوسان است، بازشناسی ابزارها و مکانیسم‌های قانونی برای حل‌وفصل خصومت‌ها، بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. زمانی که سخن از رفع تنش‌ها با قدرت‌های جهانی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، به میان می‌آید، پرسش بنیادین این است که نظام حقوقی ایران، در قانون اساسی و قوانین جاری، چه مسیرهای عملی و قانونی‌ای را برای خروج از بن‌بست‌های بین‌المللی پیش‌بینی کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش، باید نگاهی جامع به سلسله‌مراتب قانونی جایش داشته، جایی که «سیاست خارجی» تلاقی اراده سیاسی و الزامات حقوقی است.

۱. **مبنای دستوری و استراتژیک: اصل ۱۵۳ قانون اساسی**

نخستین و حیاتی‌ترین نقطه اتکای قانونی برای هرگونه تعامل با رفع خصومت با سطح کلان، اصل ۱۵۳ قانون اساسی است. این اصل، «تعیین سیاست خارجی» را در حیطه اختیارات رئیس‌جمهور قرار داده است. اما نکته کلیدی اینجاست که این اختیارات، در چارچوب کلی سیاست‌های عمومی کشور و تحت نظارت نظام است، از منظر کاربردی، هرگونه توافق با راهکار عملی برای حل منازعات (مانند موضوعات مربوط به آمریکا)، ابتدا باید در قالب یک «سند سیاست خارجی» یا «دستورالعمل کلان» از سوی مقام معظم رهبری تأیید شود و سپس توسط قوه مجریه در قالب مذاکرات دیپلماتیک عملیاتی شود. بنابراین، راهکار قانونی اول، «طبقیت اراده اجرائی با رهنمودهای عالیه» است.

۲. **ابزارهای دیپلماتیک و معاهداتی: نقش مجلس و شورای نگهبان**

در مسیر حل خصومت‌ها، «معاهده» (Treaty) یا «توافق‌نامه» (Agreement) اصلی‌ترین ابزار قانونی است. طبق اصل ۹۱ قانون اساسی، تصویب معاهدات توسط مجلس شورای اسلامی الزامی است.

در مورد کشورهایی مانند آمریکا که روابط رسمی با آنها قطع است، راهکارهای قانونی در دو سطح تعریف می‌شود:

- در سطح فنی و موقت: استفاده از «توافقات اداری» یا «تفاهم‌نامه‌های موقت» که نیاز به تصویب مجلس ندارند و برای حل مسائل فوری (مانند تبادل زندانیان یا مسائل کنسولی) به کار می‌روند.
- در سطح بنیادین: انعقاد معاهدات جامع که پس از مذاکره باید به تصویب مجلس برسد و توسط شورای نگهبان از نظر شرعی و قانونی تأیید شود. این مسیر، تضمین‌کننده آن است که هرگونه رفع خصومت دارای مشروعیت داخلی و پایدار باشد.

۳. **راهکارهای جایگزین: میانجیگری و داوری بین‌المللی**

قانون اساسی به‌طور مستقیم به جزئیات داوری نپرداخته است، اما طبق عرف حقوقی و قوانین مربوط به وزارت امور خارجه، ایران می‌تواند از مکانیسم‌های «صلح‌آمیز» پیش‌بینی‌شده در منشور سازمان ملل، «توافقات تکمیلی» استفاده کند.

راهکارهای کاربردی در این زمینه عبارت‌اند از:

- میانجیگری (Mediation): استفاده از کشورهای ثالث (مانند عمان یا قطر در پرونده آمریکا) که در حقوق بین‌الملل و رویه دیپلماتیک ایران پذیرفته شده است.
- داوری بین‌المللی (Arbitration): ارجاع اختلافات حقوقی به دیوان‌های بین‌المللی یا تشکیل کمیته‌های داوری مشترک برای حل منازعات مالی و حقوقی.
۴. **مدیریت دارایی‌ها و حقوق مالی: قوانین داخلی و بین‌المللی**

در مورد خصومت با آمریکا، بخش بزرگی از تنش‌ها مربوط به «دارایی‌های مسدودشده» است. در اینجا قوانین مربوط به بانک مرکزی و وزارت امور خارجه در کنار قوانین تجارت بین‌الملل وارد عمل می‌شوند. راهکار عملی قانونی در این بخش، انعقاد «توافقات تکمیلی» است که در آن، تعهدات طرفین به صورت متقابل (Reciprocity) تعریف شود تا از نظر حقوقی، اصل «عدم ضرر» برای جمهوری اسلامی تأمین شود.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید